

(1) فرمان همایون شرف نفاذ یافت بوقوف بنده درگاه شاهي¹ شيخ¹ انك چون دواعی ضمیر مهر تنویر (2) بر رفع بدع و سیئات مصروفست مبلغ پانزده تومان تبریزی که در ایام ایالت افتخار الولاة و الحکام (3) کمال الامارة و الدین حسین بیک لله برسم الحمايت و مقرری از جماعت تجار دار السلطنه تبریز (4) میکرفته اند و تا غایت استمرار یافته بود دانسته² بصدقات فرق همایون بخشیدیم مقرر انك من بعد هیچ آفریده (5) از حکام کرام و امرآء عظام و غازیان نصرت فرجام و متصدیان امور دیوانی و متکفلان مهمات (6) سلطانی بدین علت اصلاً و فرعاً یکدینار از جماعت مذکوره طلب نمایند و حوالتی نکنند (7) و پیرامون ایشان نکردند و همچنین بنا بر استرفاه جماعت رنجبران³ مذکوره مقرر شد که بعلت مدد خرج و مساعدت (8) و موزعات و امثال هذا مطلقاً مزاحم ایشان نشوند و چون زکوة بمصارف شرعیه میرسانند (9) فرامین مطاعه که در ادآء ان به اسم هرکس صادر شده مستند بکردند و تعرض نرسانند حاکم دارالسلطنه (10) مذکوره و اصول و اعیان انجا رعایت و مراقبت جماعت مذکوره از لوازم شمردن و شکر (11) و شکایت مؤثر دانند و به پروانچه مجدد محتاج ندانند خلاف کننده از مردودان درگاه خواهد بود (12) برینجمله روند و بتغییر بقواعد مؤکده آن راه ندهند و نقیض سند نکردانند تحریراً (13) فی عشرین جمادی الثاني سنه خمس عشر و تسعماية⁴

¹ Ich nehme an, daß der Schreiber zuerst das Wort شيخ geschrieben hatte, später das Ende des Wortes in die Form شيخم verbesserte, dadurch, daß er ein م hinzufügte. ² Das Wort (؟ البته ؟ و البته) دانسته wurde nachträglich über die Zeile geschrieben; steht mit dem Text in keinem Zusammenhang ³ Über die Zeile nachträglich geschrieben. Das nach diesem Wort geschriebene صر ist die Abkürzung von صح (ṣaḥḥa), mit der Bedeutung, daß der Einschub «richtig» ist. ⁴ Die 13. Zeile wurde in zwei voneinander deutlich getrennten Einheiten geschrieben.